

پیمایش اجتماعی بوستان رونندگان تهران و نظرسنجی در باب راه های خودکفایی بوستان

مقدمه

سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران به نظرسنجی گسترده ای از بوستان رونندگان تهرانی مبادرت ورزیده است که در نوع خود چه در داخل و یا خارج از کشور کم سابقه میباشد (۷۶-۱۳۷۵)، گرچه هدف اصلی پژوهش انجام شده نظرسنجی از شهروندان تهرانی در باب راه های خودکفاسازی بوستان های شهر تهران و فراهم آوردن امکان بنیادین توسعه بوستانهای یادشده همگام با توسعه شهر، افزایش جمعیت و تکامل نیازهای متنوع شهروندان تهرانی بویژه در رابطه با گذران اوقات فراغت تعیین شده است، لیکن ارزیابی اولیه یافته های گسترده تحقیق، حاکی از دست یابی به مباحث ارزشمندی در باب ساختاری، موانع اجتماعی - فرهنگی و پیچیدگی مشارکتهای اجتماعی در شرایط ایران میباشد. جالب آنکه یافته های تحقیق به درک بهتر نیازهای گروههای اجتماعی - اقتصادی، جنسی و سنی یاری رسانده، تصویر گویایی از جایگاه بوستان و بوستان روی در زندگی اقشار اجتماعی گوناگون و کارکردهای اجتماعی، روانی ارزشمند آن را به وضوح مطرح می سازد.

فرا تر از موارد یادشده پژوهش مورد بحث بخوبی این اصل بنیادین را مورد تاکید قرار می دهد که مشارکت فعال شهروندان تنها زمانی بصورت زیربنایی و پایدار به وقوع می پیوندد که اوصول شهروندی بر زندگی اجتماعی حاکم گردد و ابعاد و اجزا جامعه مدنی استقرار کامل یابد. در فقدان شرایط یادشده، مشارکت اجتماعی حالتی موردی، لحظه ای و ناپایدار به خود گرفته، و قانونمند و مداوم نمیگردد. جالب آنکه بخش قابل توجهی از پاسخگویان بدین امر اشعار دارند که گویای تحولات فکری ارزشمند جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی است. مهمترین دستاورد تحقیق را میتوان در این یافته مهم جستجو کرد که بخش قابل توجهی از پاسخگویان به درک ضرورت مشارکت فعال مردم و اهمیت آن باور دارند و چنین الزامی را می شناسند. لیکن راهکارهای آن را نمی دانند و جایگاه رابطه مردم و نهادهای مردمی و دولتی و نیمه دولتی را بخوبی درک نکرده اند که خود لزوم تدوین و اجرای برنامه های متنوع آگاه سازی را می رساند.

بخش مهمی از پاسخگویان از محدود شدن مشارکت به مشارکتهای مالی کاملاً گله منداند و در این رابطه انتقادهای گوناگونی را مطرح می سازند که توجه بدان ها ضروری است. از دیگر یافته های تحقیق آن است بوستان روی برای مردم با دغدغه هایی همراه است که این نگرانی ها اساساً در جنوب و شمال شهر متفاوتند. همچنین پژوهش به یافته هایی رسیده است که وجود آسیب های اجتماعی در برخی از بوستانها بویژه مرکز و جنوب شهر را تایید می کند که خود نیازمند توجهی جدی است. بالاخره باید بدین نکته اشاره کرد که مردم راه های متنوعی برای کسب درآمد پیشنهاد نموده اند که برخی از آنها فوق العاده جالب است. لیکن تقریباً اکثریت پاسخگویان به شدت از تجاری شدن بوستانها و ورود حرص و کسب سرمایه نگران اند و در نتیجه تمامی راه های پیشنهادی را به شرطی ضروری میدانند که به تجاری شدن بوستانها منجر نگردد و ضرورت مقابله جدی با این فرآیند را مورد تاکید قرار می دهند. اقلیتی از پاسخگویان به هیچ روی موافق هر نوع اقدام درآمدزا در بوستان نبوده، تمامی هزینه های بوستان را جزء هزینه های

جاری شهرداری تلقی و جالب آنکه درصد قابل توجهی از این گروه از خودکفایی شهرداری تهران مطلع نیستند .

بخش قابل توجهی از پاسخگویان جلوگیری از اتلاف منابع بویژه منابع مالی را بهترین راه صرفه جویی دانسته ، متعقدند که شهرداری تهران با صرفه جویی در تمامی زمینه ها قادر است مسایل بوستانها خصوصاً از جنبه های مالی را حل کند . گفتنی برخاسته از این تحقیق فراوان است که آن را به فرصت های دیگری وا میگذاریم و در خاتمه در چارچوب روش شناختی پژوهش اشاره می کنیم . همانگونه که در آغاز و در عنوان تحقیق اشاره شد نوع پژوهش از جمله پژوهش های میدانی و فن اصلی گردآوری اطلاعات پیمایش اجتماعی در قالب پرسشنامه ای ساخته بوده است . ابتدا بوستانهای سراسری که کارکردی برای تمامی تهران دارند انتخاب و سپس به قید قرعه از هر منطقه بوستانی انتخاب گردیده است . آنگاه پرسشنامه ها براساس مضربی از جمعیت هر منطقه به فصول سال و به روزهای تعطیل و روزهای عادی تقسیم و سپس سهمیه هایی برای ساعات گوناگون از بامداد تا شامگاه در نظر گرفته شده و پرسشنامه ها به همان شکل تکمیل گردیده است .

در مورد راهکارهای خودکفایی بوستانهای شهر تهران ، توجه به توان مالی بوستان روندگان را الزامی می سازد . بیش از ۸۰٪ پاسخگویان درآمدی زیر یک میلیون ریال در ماه دارند . از سوی دیگر حضور اغنیا در بوستانها فوق العاده کم رنگ است . بررسی شاخص های اقتصادی مناطق بیستگانه شهر تهران گویای معرف بودن نمونه مورد مطالعه است . گرچه از نظر آماری نمونه برگزیده معرف تلقی نمی شود ، لیکن شاخص های مختلف اجتماعی - اقتصادی شهر تهران با ویژگی های نمونه مورد مطالعه همخوانی چشم گیری دارد . از این روی نمی توان انتظار داشت که اکثریت بوستان روندگان تهرانی در شرایط موجود و بدون دست یازی به اقدامات و برنامه ریزی های هدفمند قادر باشند تا سهمی از خودکفایی بوستانهای تهران را برعهده گیرند . بویژه آنکه اکثریت پاسخگویان محدود شدن مشارکت به پرداخت مبالغی تحت هر عنوان را شدیداً مردود می دانند . بدیهی است برای ورود شهروندان به امر یاری رساندن به خودکفایی بوستانها ، قبول نقش کلیدی تری برای آنان الزامی به نظر می رسد . با توجه به اطلاعات گردآمده راه کارهای مشخص پیشنهاد میشود که مهمترین آنها فهرست وار عنوان می گردد :

- مهمترین اقدام آموزش گسترده همگانی در جهت کاهش تخریب مداوم به بوستانها به ویژه در روزهای تعطیل می باشد .
- اقدام بعدی اداره بهینه بوستانهای همگانی است .
- در مرحله بعد ترتیب دادن برنامه های موردی با شرکت گسترده مردم آن هم بر اساس توان مالی آنان به اشکال گوناگون پیشنهاد میشود که راهکارهای آن در گزارش پژوهش به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است .

پیشنهاد راهکارهای مشخص و عملی برای علاقمند کردن گروههایی با درآمد بالا به بوستان روی از دیگر اقدامات می باشد .

سناریوی پیشنهادی که رئوس آن مورد اشاره قرارگرفت نیازمند تحقیق پیش فرض های معینی است که بدون تحقق آنها ، موفقیت در امر خودکفاسازی بوستانهای همگانی غیر ممکن به نظر میرسد . شناخت و پذیرش حقوق مردم ، جلوگیری از مزاحمت های بدون دلیل و غیر مسئولانه که

طبعاً در بوستانهای شمال و جنوب شهر ماهیتاً ، متفاوت اند ، از مهمترین پیشفرض های یادشده محسوب می شوند . ضمناً ذکر این نکته ضروری است که بوستان های همگانی در حال حاضر مهمترین عرصه تجلی فضای عمومی و بستر عینی جامعه مدنی در ایران امروز است . تقویت این عرصه به اشکال مختلف اهمیت حیاتی دارد .

در واقع پیشفرض یاد شده خطوط کلی برنامه خودکفاسازی بوستان های یادشده را مشخص میسازد از نتایج مهم پژوهش انجام شده محسوب می شود و بسوی شهر شهروند مدار نام گرفته است . بدین معنا که گرچه پژوهش انجام شده در عدم امکان خودکفاسازی بوستانهای همگانی در شرایط کنونی تردیدی باقی نمی گذارد ، لیکن از تحولات بنیادین جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی حکایت دارد . در حین انجام تحقیقات به بررسی یازده گروه ورزشی متشکل در بوستانها مبادرت شده است . تمامی گروههای یادشده جریان پویای شکل گیری زندگی انجمن در ایران ، امری که قرنها با ضعفهای جدی همراه بوده است را نشان میدهد . گروههای یادشده که از ورزش صبحگاهی ، بدون برنامه ریزی قبلی شکل گرفته اند به سرعت از گروهی علایقی (برای ورزش صبحگاهی) به انجمنی متشکل از تبدیل و ویژگی های انجمن های شهری را به خود گرفته اند . سرعت تغییر شکل گروههای علایقی به انجمن های شهری ، بستر مناسب حرکت بسوی شهروند مداری را نشان میدهد و گویای این حقیقت است که گرچه طبقات متوسط به بالا و بالا یعنی گروههایی با توان مالی در خور توجه برای فرایند خودکفاسازی بوستانها در بوستانهای شهر تهران حضوری کم رنگ دارند ، لیکن چنانچه در قالب برنامه ای منسجم برای تحقیق شهر شهروند مدار تلاش شود ، بستر مناسب یادشده ، امکان ایجاد تشکل هایی با حضور گروههای درآمد بالا را قویاً مطرح میسازد . لذا دو گروه راهکارها پیشنهاد می شود، نخست برنامه های توده وار بر اساس درآمد بوستان روی های تهرانی که هزینه متعارف را وارد سبد هزینه ها یا بودجه خانوارهای بوستان روی می نماید . و دوم برنامه منسجم به سوی شهر شهروند مدار . خطوط کلی برنامه تحقق شهری شهروندمدار در نمودار شماره یک ارائه شده است .

چنانچه از نمودار شماره یک برمی آید ، خودکفایی بوستانهای همگانی را نمی توان طرحی به خود بسنده تلقی کرد زیرا پژوهش انجام شده به نحوی مستند چنین امکانی را منتفی اعلام میدارد . در نتیجه چنانچه خودکفایی شهر و از جمله بوستانهای شهر تهران در دستور قرار دارد ، دو راه ممکن به نظر میرسد . اولین راه ایجاد رانت برای گروههای پردرآمد شهری از طریق فروش فضای شهری و دریافت درصدی از رانت ایجاد شده از سوی شهرداری و هزینه کردن آن در زمینه های مختلف زندگی شهری است . امری که از زمان ایجاد شهرداری رایج بوده است در ده سال گذشته به اوج خود رسیده است . این شیوه به دلایل گوناگون به بن بست رسیده است و شهر دیگر توان ادامه آن را ندارد . مضافاً چنین راه حلی نمی تواند همواره پایدار بماند .

محور ۱

طراحی برنامه هایی برای حفظ و معرفی میراث فرهنگی
دخالت و مشارکت آگاهانه مردم در حفظ میراث فرهنگی

محور ۲

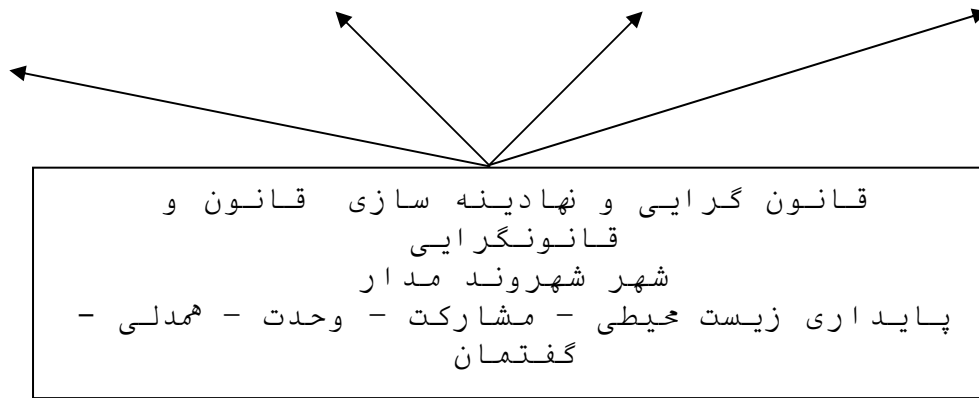
طراحی برنامه های آگاه سازی در جهت معرفی و تقویت شهروندی
نهادینه سازی و تقویت زندگی انجمنی شهروندان طراحی طرح های مشارکتی

محور ۳

طراحی و برنامه های سامان دهی رفت و آمد های شهری
ایجاد شبکه امروزمین دسترسی شهری - آموزش شهروندان برای ایجاد ترافیک سالم

محور ۴

طراحی برنامه هایی در جهت سلامتی شهروندان
مبارزه مشارکتی با آلودگی هوا - آب و خاک شهر مشارکتی پایدار زیست محیطی



محور ۵ محور ۸

طراحی برنامه های گذران خلاق اوقات فراغت شهروندان مشارکت فعال شهروندان در ایجاد و نگهداری و مدیریت تأسیسات عمومی

محور ۶

طراحی برنامه هایی برای ایجاد شهر خودکفنا براساس شهروندی ایجاد تعاونی های خودگردان شهروندی - طراحی برنامه های خود اشتغالی
--

محور ۷

طراحی برنامه های جامع آگاه سازی عمومی در شهر برنامه های آگاه سازی همگانی در رابطه با مشارکت شهروندی و حقوق آحاد مردم
--

طراحی مسکن برای همه در چارچوب حقوق شهروند اجتماعی آموزش عمومی در جهت حقوق شهروند اجتماعی از جمله سرپناه و ساماندهی فضای عمومی شهری
--

نمودار شماره یک - به سوی شهر شهروندمدار

دومین راه حرکت به سوی شهر شهروند مدار است که از قضا شهرداری تهران در این زمینه نیز گامهای درخور توجهی برداشته است. ایجاد فرهنگسراها، احداث خانه های فرهنگ محله، اجرای طرح شهردار مدرسه که به عنوان پروژه مدل جهانی از سوی انجمن شهرهای آموزش دهنده برگزیده شده است (انتخاب چهارمین کنگره جهانی شهرهای آموزش دهنده منعقد به سال ۱۹۹۶ میلادی در شیکاگو) از جمله اقدامات ارزشمند یاد شده است. چنانچه عملی نبودن راه اول که به نحوی مستند قابل اثبات است، پذیرفته شود چاره ای جز گام نهادن در مسیر شهر شهروند مدار و ایجاد حسن تعلق شهر به اتمای شهروندان و استفاده برابر همگان از آن باقی نمی ماند. انتخاب این مسیر با شرایط امروز جامعه ایران هماهنگ است و همانگونه که اشاره شد بستر مناسبی برای تحقق آن فراهم شده است. لیکن انتخاب این مسیر به برنامه جامع و استراتژیک نیازمند است که محورهای اصلی آن مشاهده می گردد که تمامی عرصه های مهم زندگی شهری، اجراء بهم پیوسته طرح یاد شده اند. در مرکز چنین برنامه ای پذیرش قانون، قانونگرایی و نهادینه سازی آن بر پایه ایجاد شهری از نظر زیست محیطی پایدار قرار دارد که طبیعاً گفتمان را مهمترین شکل کنش و واکنش متقابل شهروندان و بهترین را مجاب سازی و رسیدن به توافق برای اجراء برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت معرفی می کند. با چنین نگرشی وحدت اجتماعی و همدلی همگانی به اوج خود می رسد و احساس تعلق شهر به آحاد شهروندان نهادینه میگردد. سپس چنین نقطه مرکزی به ۸ محور به هم پیوسته مرتبط می شود که در تمامی آن ها ضمن تأکید بر عرصه مهمی از زندگی شهری، آموزش همگانی و مشارکت اجتماعی مورد تأکید قرار می گیرد. بحث خودکفا سازی بوستان های همگانی شهر تهران بطور مستقیم به محورهای ۲ و ۴، ۵، ۶، ۸ مربوط می شود. رابطه زندگی انجمنی و پذیرش بوستان همگانی به عنوان محل بروز زندگی انجمنی (محور ۲) مساله سلامتی شهروندان به ویژه با توجه به آلودگی های رو به رشد محیط شهری، به بوستان ها اهمیتی در خود توجه می بخشد (محور ۴) سپس گذران خلاق اوقات فراغت به ویژه برای نوجوانان و جوانان که حضور پایدارشان در بوستان ها کم رنگ است، بوستان ها را محل چنین گذرانی می سازد (محور ۵) و اهمیت بوستان ها را مجدداً مطرح می سازد. محور شماره ۶ از تعاونی های خودگران شهری یاد می کند که مستقیماً بحث خودکفایی بوستان های شهر تهران بدون تجاری سازی آنها را در دستور قرار می دهد. بالاخره تمامی بحث های یاد شده به آموزش مداوم آنها بر اساس شیوه های امروزی آگاه سازی مربوط می شود که توسط خود شهروندان و در بستر مشارکت فعال آنان تحقق می یابد (محور شماره ۸)

لیکن همانگونه که اشاره شد، پیش شرط طی طریق در مسیر شهر شهروند مدار، پذیرش شهروندی حقوق و مسئولیت های ناشی از آن است که بدون چنین شرطی برنامه پیشنهادی را به جایی نخواهد برد. جامعه ایران بدلیل قرن ها حاکمیت نظام شاهنشاهی زورمندمدار، از شهروندمداری و شهروندی فاصله ای بعید داشته است. در نتیجه عرصه عمومی که بوستان های همگانی جزء مهم آن است، هرگز به ساکنین شهر تعلق نداشته است. برعکس تخریب عرصه عمومی به عنوان شیوه ای از شیوه های مبارزه با نظام زورمندمدار در ذهن

تاریخی ایرانیان نهادینه شده است . امروزه بیش از هر زمان بر ملا شده است . رشد فزاینده جمعیت ، جوانی خیره کننده جمعیت کشور ، ورود خیل جوانان به بازار کار که با محدودیت های جدی شغلی همراه است ، طرح تقاضاهای مشخص زنان از یکسو ، کاهش درآمد های عمومی به دلیل اتکاء آن به درآمد نفت که براساس صرفه جویی ها و موارد جایگزین روزبه روز از تقاضا برای موارد سوختی می کاهد ، ضرورت کوچک شدن دولتها که فرایندی جهانی و وابسته به مفهوم جهانی شدن (Globalization) است، از سوی دیگر، پذیرش دولت به عنوان متولی همه امور از کوچک و بزرگ را به پایان خود نزدیک ساخته است. هنگامی که حکومت متولی تمامی امور است ، مردم نه تنها شهروندان آگاه و صاحب حقوق بحساب نمی آیند ، بلکه تماشاچیان منفعل تمامی امور روزمره محسوب می شوند . این فرایند در جامعه ایران و در واقع در کل جهان به پایان راه رسیده است بهمین دلیل قرن ۲۱ را قرن همیاری همگانی خوانده است و برای همیاری گسترده ، پذیرش افراد به عنوان شهروندان صاحب حقوق الزامی است . صدها دلیل برای اثبات این امر وجود دارد و برای گذار به سوی شهروندمداری باید از امروز اقدام شود تا باهزینه کمتری چنین فرایندی طی شود . شهرداری تهران می تواند در این زمینه مهم و حیاتی نیز پیشگام محسوب شود و بوستان های همگانی به عنوان مکانی متعلق به تمامی شهروندان صرفنظر گرایش های فکری آنان ، طبقه اجتماعی ایشان ، سن و جنس و تحصیل و سایر مشخصات شناسایی ، بستر بسیار مناسبی برای گذر به شهروندمداری است .

در صورت پذیرش چنین نگرشی محورهای هشتگانه مندرج در نمودار شماره یک ، می تواند نقطه شروع برنامه جامع و استراتژیک تحقق شهر شهروندمدار محسوب شود . این سخن بگذار تا وقت دگر .